

## Thematics of popular economy (people-based) with the focus group method

Vahid Arshadi/Ali nemati<sup>1</sup>

1

Vol. 1  
Autumn 2024  
P.P: 1-29

Research Paper

Received:  
11 May 2024  
Accepted:  
18 September 2024

### Abstract

One dimension of the resistance economy is the people-based economy. After a careful study of the works published up to 1399 on the subject of people-based economics, researchers concluded that a coherent and reliable theoretical literature was not produced in related scientific centers; And even in the definition of the people-based economy, there is no consensus. Accordingly, this study sought to address the issue of popular economics in the form of a focus group method with the presence of experts in resistance economics and Islamic economics, and thus provide the necessary basis for those who want to define their studies in this field. . These topics are categorized into four axes; And it was decided in four axes of theoretical and fundamental studies, governance studies, policy making and implementation; Divide patterns and mechanisms of democratization and interdisciplinary studies. What is important is that economic policymakers in the three powers should be based on theoretical foundations and the establishment of various political, legal, economic, social and educational requirements and the use of different experiences and based on the design of proposed models and mechanisms, the transition from the state economy. And provide rent to the people's economy so that Iran's economy becomes known as the people's economy.

**Keywords:** popular economy, Resistance economy, Rent economy, Focus Group

1 Research Assistant Professor, Department of Islamic Economics, Institute of Islamic Studies in Humanities, Ferdowsi University of Mashhad. [v.arshadi@um.ac.ir](mailto:v.arshadi@um.ac.ir)

2 University lecturer and member of the board of economists of Khorasan seminary. [nemati@isu.ac.ir](mailto:nemati@isu.ac.ir)



## موضوع شناسی اقتصاد مردمی (مردم‌بنیان) با روش گروه کانونی

وحید ارشدی | علی نعمتی<sup>۲</sup>

۱

سال اول-شماره ۱

پاییز ۱۴۰۳

صص: ۱-۲۹

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۲۷

### چکیده

یکی از ابعاد اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مردم‌بنیان است. پس از یک مطالعه‌ی دقیق روی آثار منتشر شده تا سال ۱۳۹۹ با موضوع اقتصاد مردم‌بنیان، پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که ادبیات نظری منسجم و قابل اتکایی در مراکز علمی مرتبط تولید نشده؛ و حتی در تعریف اقتصاد مردم‌بنیان نیز اتفاق نظر وجود ندارد. بر این اساس این پژوهش به دنبال آن بود که به صورت روش گروه کانونی با حضور متخصصین اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی به موضوع شناسی اقتصاد مردمی پرداخته و با این اقدام، بستر لازم را برای کسانی که می‌خواهند مطالعات خود را در این حوزه تعریف کنند فراهم نماید. این موضوعات در چهار محور، طبقه‌بندی شده؛ و مقرر شد در چهار محور مطالعات نظری و بنیادین، مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا؛ الگوها و ساز و کارهای مردمی‌سازی و مطالعات میان‌رشته‌ای تقسیم شود. آنچه اهمیت دارد اینست که سیاست‌گذاران اقتصادی در قوای سه‌گانه باید بر اساس بنیان‌های نظری و برقراری الزامات مختلف سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی و بهره‌گیری از تجارب مختلف و بر اساس طراحی الگوها و ساز و کارهای پیشنهادی، بستر انتقال از اقتصاد دولتی و رانتیه را به اقتصاد مردمی فراهم کنند تا جایی که اقتصاد ایران به اقتصاد مردم‌بنیان شهرت یابد.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد مردمی، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد رانتی، گروه کانونی

DOR:.....

۱. نویسنده مسئول: وحید ارشدی، استادیار پژوهشی گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی

مشهد [v.arshadi@um.ac.ir](mailto:v.arshadi@um.ac.ir)

۲. علی نعمتی، مدرس دانشگاه و عضو هیئت اندیشه‌ورز اقتصاد حوزه علمیه خراسان [nemati@isu.ac.ir](mailto:nemati@isu.ac.ir)

## مقدمه

یکی از ابعاد مهم اقتصاد مقاومتی بر اساس تصریح و تحلیل محتوای بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان سکاندار و تنظیم‌کننده‌ی سیاست‌های کلی نظام و مبدع نظریه‌ی اقتصاد مقاومتی؛ و نیز اسناد علمی منتشر شده در نشریات معتبر، «مردمی شدن اقتصاد» است (رنجبران و همکاران، ۱۴۰۰). واضح و آشکار است که در وضع موجود و بر اساس شاخص‌های مختلف اقتصادی در ۶ دهه‌ی اخیر، اقتصاد ایران به یک اقتصاد رانتی، دولتی و بسته، شهرت پیدا کرده است. در اقتصادی که دولت به جای هر عامل دیگری در عرصه‌های مختلف ظهور و بروز پیدا کرده و ضریب حضورش بیشتر بوده، این اقتصاد به اقتصاد دولتی شهرت پیدا کرده است و از طرف دیگر به دلیل متکی بودن اقتصاد به منابع نفت و گاز و خام‌فروشی به اقتصاد رانتی مشهور شده است (فضلی نژاد و احمدیان، ۱۳۸۹). ناکارآمدی‌ها و شاخص‌های نامطلوب موجود حاصل از این اقتصاد باعث شده است که هیچکدام از سیاستگذاران و فعالان اقتصادی احساس رضایت نکرده و بخش قابل توجهی از مردم نیز نتوانسته‌اند نقش واقعی خود را برای نقش‌آفرینی در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و ایجاد ارزش افزوده ایفا کنند (قاسمی و رجایی رامشه، ۱۳۹۹). این که سیاستگذاران اقتصادی در یک اقتصاد به پررنگ کردن چه عاملی در مدیریت اقتصادی جامعه، اهتمام بیشتری ورزیده شود و سیاستگذاری‌ها و ریل‌گذاری‌های اقتصادی را به چه سمت و سویی ببرند، برداری است که برآیند نوع نگاه سیاستگذاران به جایگاه دولت و مردم، شرایط سیاسی و اقتصادی آن جامعه؛ و نیز بر اساس وقایع و تجارب تاریخی است که خود را در محور قرار دادن آن عوامل نشان می‌دهد (پیروز، ۱۳۵۰). پس از متمرکز شدن روی این بعد از اقتصاد مقاومتی، برای متخصصین دانش اقتصاد مشخص شد

۱ اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح میشود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا میکند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت به‌عنوان یک مسئول عمومی نظارت میکند، هدایت میکند، کمک میکند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را میگیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک میکند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل میکند. ۱/۱۳۹۳

که ادبیات منسجمی در این حوزه وجود نداشته و تولید محتوای مناسب برای سیاستگذاران در سطح قوای سه گانه مورد نیاز هست.

در این مقاله تلاش شده است به روش گروه کانونی و با مشارکت یازده نفر از متخصصین، به موضوع شناسی اقتصاد مقاومتی پرداخته؛ و بر اساس آن، بستر لازم برای ورود پژوهشگران به این موضوع در قالب ارائه‌ی مقالات و همایش‌های مختلف فراهم گردد.

### بیان مسئله

بر اساس تحلیل محتوای دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مردمی بیانگر اینست که سیاستگذاران و مجریان برای هدایت اقتصاد به هدف نهایی «مقاوم بودن در برابر هر نوع تکانه‌ای» تا سرحد «بازدارندگی اقتصادی» و دستیابی به پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت، باید به نقش مردم در عرصه‌های مختلف اقتصادی، «ضریب ویژه‌ای» دهند به حدی که به اقتصاد مردم‌بنیان شهرت یابد! تخصیص ضریب بالا به نقش مردم در اقتصاد می‌تواند به عنوان یک ایده مطرح باشد که قرار است با طرح آن، بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی جامعه که به واسطه‌ی نقش پررنگ و در عین حال ناکارا و مخرب دولت ایجاد شده، حل گردیده یا حداقل تخفیف یابد (پیروز: ۲۱۰). این به معنای کنار رفتن دولت و زیر بار نرفتن مسئولیت آن نیست.

در مرحله‌ی اول، سیاستگذار و همه عوامل اقتصادی برای تحقق اقتصاد مردمی نیازمند شناخت دقیق این نوع از اقتصاد هستند. در مرحله‌ی شناخت، فهم (نسبت به موضوع و تعیین حد و مرزها)، به کارگیری، تحلیل، نقد و ارزیابی (تقسیم بندی مفاهیم به اجزا و تحلیل روابط) و خلق مفاهیم جدید ایجاد می‌شود و در ادامه گرایش ایجاد شده و کنش و واکنش‌ها نسبت به رفتارهای سیاستگذار ایجاد می‌شود و باید عواملان اقتصادی را از مسیر پاسخ به چگونگی آن در مسیر دستیابی به نقطه مطلوب اقتصاد مردم‌بنیان قرار داد. شکافت مفهوم و ابعاد آن از اهمیت ویژه‌ای برای سیاستگذاران نظام اقتصادی برخوردار است به طوری که عدم توجه به فهم دقیق موضوع، منجر به تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های غلط گردیده؛ و به نام دستیابی به نقطه مطلوب، وضع نامطلوب حاصل می‌گردد.

۱ باید بازدارندگی ایجاد کنیم و به مرحله‌ی برسیم که دشمن احساس کند نمی‌تواند از معبر مسائل اقتصادی به کشور ضربه وارد کند و ملت را تحت فشار قرار دهد (۱۳۹۸/۱/۱).

با توجه به سابقه‌ی تاریخی موضوع در اندیشه متفکران اقتصادی، مکاتب و نظام‌های مرتبط با این موضوع، مبنی بر حدود و ثغور مداخله دولت و بخش خصوصی در اقتصاد، پرسش‌هایی در اذهان شکل گرفته است که چرا برای دستیابی به نقطه‌ی مطلوب، باید نظام اسلامی برای حضور فعالانه مردم در اقتصاد اهمیت ویژه‌ای قائل شود به حدی که صفت مردمی شدن اقتصاد بر آن برآزش کند.

قاعداً اقتصاد مردم محور نیز مانند هر نوع اقتصاد دیگر، باید بر بنیان‌های نظری محکمی استوار بوده؛ و نیاز است برای شفاف سازی آن برای نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری، مفهوم سازی دقیقی صورت گرفته تا حد و مرزهای خود را از اقتصادهای رقیب روشن ساخته؛ و راه را برای تفسیرهای مختلف از آن ببندد تا مجریان نتوانند بر اساس ذهنیت‌ها و سلايق خود، ماشین اقتصاد را از مسیر اقتصاد مردم‌بنیان منحرف سازند. مردم مفهومی است همه فهم و در عین حال مفهومی است که هر کسی از منظر خود آن را توصیف می‌کند. به ویژه اینکه وقتی متعلق آن، موضوع کلانی همچون اقتصاد قرار گرفته و نقطه‌ی مطلوب این می‌شود که مردم محور آن قرار گیرند؛ آنگاه هر کسی از منظر خود مردم را تعریف می‌کند. باید گفت که مردم از طبقات اقتصادی و اجتماعی مختلفی برخوردار بوده و انتظار از مردم برای نقش‌آفرینی در اقتصاد به یک اندازه نبوده و نمی‌توان برای نقش‌آفرینی نسخه‌ای واحد پیچید.

عده‌ای مردمی شدن اقتصاد را بر پایه محوریت یافتن بخش خصوصی در اقتصاد تعریف کرده (پیروز، ۱۳۸۹) و عده‌ای اقتصاد مردمی را به عنوان اقتصاد مشارکتی تعریف نموده؛ و گروه دیگری اقتصاد مردمی را بر پایه‌ی بخش تعاونی می‌پندارند (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵) و برخی دیگر نیز معتقدند که همه مردم دارای استعدادها و توانمندی‌ها و سرمایه‌های مختلف هستند که باید آن‌ها را در جهت ایجاد ارزش افزوده و تحقق پیشرفت و عدالت در قالب بخش خصوصی، بخش تعاونی و بخش خیریه و وقف و حتی بخش عمومی و دولتی به فعلیت برسانند (رنجبران و همکاران، ۱۴۰۰). هر درک مفهومی از مردم منجر به یک نوع سیاست‌گذاری خواهد شد که دارای پیامدهای خاصی بوده؛ و نمی‌توان این پیامدها را در رشد و پیشرفت اقتصادی آن جامعه نادیده گرفت. از این منظر، زمانی که فهم دقیقی از مفهوم در بازیگران راهبردها و راهکار ساز ایجاد می‌شود باید انتظار داشت که راهبردها و راهکارها اقتصاد را به سرمنزل مقصود خواهند رساند و گرنه با فهم متفاوت از مردم نمی‌توان همه ظرفیتهای بالقوه آن را به فعلیت رساند چرا که هر کسی به دنبال اینست که بخشی از ظرفیت مردم را احیا کند و چه بسا نگاه کاریکاتوری به مردم، بخشی از

ظرفیت‌ها و قالب‌های آن نادیده می‌شود و جامعه را از آن ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها و سرمایه‌ها محروم می‌سازد (ارشدی و همکاران، ۱۴۰۰).

از این منظر است که ابعاد، زوایا، لایه‌ها و مراتب مختلف اقتصاد مردم‌بنیان باید به طور روشمند باز شده و بر روی موضوعات مرتبط با آن متمرکز شد و به صورت روشمند به تولید ادبیات نظری قابل اتکا همت گماشت. چپستی، چرایی، چگونگی، کمیت، کیفیت، زمان، مکان، اجزاء درونی، روابط بیرونی، نحوه اثرگذاری، نحوه اثرپذیری، موقعیت نسبت به اقتصاد رقیب، همه موضوعاتی است که باید به صورت تفصیلی باز شوند. اینکه برای ورود به اقتصاد مردم‌بنیان، چه عناصری لازم است و چه عواملی در کنار هم این اقتصاد را می‌سازد و چه ساز و کارهایی برای شهرت اقتصاد به یک اقتصاد مردم‌بنیان لازم است و چه عوامل مداخله‌گری مانع از شکل گرفتن یک اقتصاد با محوریت مردم می‌شود از مباحث مهم مرتبط با اقتصاد مردم‌بنیان است. این نیازمند یک نگاه سیستمی و جامع‌نگر بوده که بتواند بر اساس فهم دقیق اقتصاد مردم‌بنیان، بسترهای لازم را فراهم نموده و با ترکیب مناسب عوامل، به خروجی اقتصاد مردم‌بنیان که منجر به پیشرفت اقتصادی می‌شود دسترسی پیدا نمود.

#### ۱- روش‌ها و ابزارهای موضوع‌شناسی «اقتصاد مردم‌بنیان»

برای اینکه لایه‌های مختلف مردمی‌سازی اقتصاد باز شود نیازمند آن هستیم تا موضوع‌شناسی دقیقی به صورت روشمند صورت گیرد تا با تبدیل موضوعات به سؤالات و فرضیه‌ها، بتوان از روش‌های معتبر مختلف به پاسخ‌های دقیق از طرف صاحب‌نظران دست یافت. برای دستیابی به موضوعات مرتبط با اقتصاد مردم‌بنیان، روش‌های مختلفی می‌توان اتخاذ نمود.

#### ۱-۳- روش اول: رویکرد قیاسی در طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد مردم‌بنیان (موضوعات «ممکن»)

در رویکرد قیاسی با استفاده از یک نظریه پایه‌ای، موضوعات اقتصاد مردم‌بنیان به صورت جامع استخراج می‌شود. نظریه پایه‌ای مورد استفاده در این پژوهش، استفاده از سه سؤال ریشه‌ای «چپستی»، «چرایی» و «چگونگی» است. سؤال از چپستی اقتصاد مردم‌بنیان، سؤال از اقتصاد مردم‌بنیان به ما هو اقتصاد مردم‌بنیان در مقام توضیح مفهومی است. مثلاً بررسی مفهوم اقتصاد مردم‌بنیان در قالب تعاریف، نظریه‌ها و گونه‌شناسی‌های اقتصاد مردم‌بنیان، اقسام، ابعاد مفهومی، معیارها و اقتصاد مردم‌بنیان‌های موصوف. سؤال از چرایی اقتصاد مردم‌بنیان، سؤال از غایت و مطلوب ما در اقتصاد مردم‌بنیان است. اینکه چرا باید به سمت آن مطلوب رفت و چرا باید به آن ملتزم بود. سؤال از چگونگی اقتصاد مردم‌بنیان نیز به این پرسش ناظر

است که اقتصاد مردم‌بنیان چگونه اقامه شده و چگونه باید اقامه شود؟ با تلفیق این سؤالات، می‌توان به نظام طبقه‌بندی قیاسی در موضوعات اقتصاد مردم‌بنیان دست یافت. طبقه‌بندی قیاسی با کمک طبقه‌بندی استقرایی قابل تکمیل است. رویکرد قیاسی، دسته‌بندی اولیه طبقات نظام موضوعی را می‌سازد و در ادامه، رویکرد استقرایی طبقه‌بندی اولیه را تکمیل می‌کند.

۲-۳- روش دوم: تحلیل محتوا یا تحلیل مضمون اسناد منتشر شده پیرامون اقتصاد مردم‌بنیان: تحلیل محتوای مکتوبات و یا گفتارهای مرتبط با آن موضوع همراه با کدگذاری اولیه و کدگذاری ثانویه و دسترسی به سلسله موضوعات و در نهایت اعتبارسنجی طبقه‌بندی موضوعات توسط متخصصین است.

۳-۳- روش سوم: رویکرد استقرایی طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد مردم‌بنیان (موضوعات «موجود») استفاده از رویکرد استقرایی به معنای جمع‌آوری منابع موجود حوزه اقتصاد مردم‌بنیان و طبقه‌بندی موضوعات آن‌ها است. این کار تکمیل‌کننده رویکرد قیاسی در طبقه‌بندی نظام موضوعات اقتصاد مردم‌بنیان است و بر این اساس ممکن است طبقات یا خانه‌های جدیدی ایجاد شود. بنابراین نوعی رفت و برگشت بین رویکرد قیاسی و استقرایی وجود دارد. در رویکرد استقرایی ابتدا کلید واژه‌های مرتبط با موضوع اقتصاد مردم‌بنیان احصا شده و در مرحله بعد، بانک‌های اطلاعاتی فارسی و انگلیسی زبان انتخاب می‌شوند. بر اساس کلید واژه‌های انتخاب شده، منابع تحقیقی و پژوهشی در بانک‌های اطلاعاتی جستجو می‌شوند و جایگاه خود را در طبقات به‌دست آمده پیدا می‌کنند. با این رویکرد، طبقات به‌دست آمده از رویکرد قیاسی مورد جرح و اصلاح قرار می‌گیرد.

۴-۳- روش چهارم: گروه کانونی

یکی از ابزارهای مناسب برای شکل‌گیری موضوعات و طبقه‌بندی آن‌ها اینست که افراد متخصص اقدام به تشکیل گروه کانونی اموده و برای طرح سؤالات مرتبط با آن ایده، اقدام به طوفان فکری یا اندیشه‌باران نمایند. روش گروه کانونی یا گفتگوی گروهی متمرکز یکی از روش‌های متداول در روش تحقیق کیفی است که به منظور جمع‌آوری اطلاعات، بررسی مسئله و محصولات یا خدمات انجام می‌شود. گروه کانونی یکی از روش‌های اکتشافی کیفی است که از علوم اجتماعی وارد حوزه‌های دیگر دانش شده است. در این روش، گروه محدودی از افراد مطلع تشکیل شده و از آنها خواسته می‌شود تا نظر و تحلیل شان را در مورد موضوع مورد نظر به صورت آزادانه به بحث و تبادل نظر بگذارند. اسناد و مدارک منتشر

- 1 Focus Group
- 2 Brainstorming

شده از طرف افراد صاحب‌نظر، بیانگر تخصص آن‌ها در حوزه‌ی مذکور و موضوعات مرتبط با آن هست. تلاش آن گروه باید این باشد که برای تحقق ایده به مسائل مرتبط با ورودی‌های ایده، تعیین نقاط شروع، تعیین مراحل و فرآیندها، تعیین میزان اثرگذاری و اثرپذیری، تعیین عوامل و موانع، تعیین سطوح و گستره‌ی آن ایده، تعیین مکان و زمان تحقق آن، تعیین نقاط بحران در مسیر تحقق آن ایده و تعیین شاخص‌های کیفی و کمی مرتبط با آن ایده،... پرداخته و برای آن مسائلی را طراحی کنند. پژوهش حاضر با اتکا به این روش صورت پذیرفته است و ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در گروه کانونی مربوطه به شرح ذیل است:

جدول ۱- مشارکت‌کنندگان در گروه کانونی

ردیف	عضو	رتبه	تخصص	فعالیت‌های پژوهشی مرتبط
۱	عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	استاد تمام	اقتصاد	کتاب و مقالات مختلف پیرامون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
۲	عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	دانشیار	اقتصاد	مقالات مختلف پیرامون توسعه
۳	عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	دانشیار	اقتصاد	مقالات پیرامون اقتصاد اسلامی و اقتصاد توسعه
۴	عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)	دانشیار	اقتصاد	کتاب و مقالات متعدد پیرامون اقتصاد مقاومتی و مردمی‌سازی اقتصاد
۵	عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد	استادیار	اقتصاد	مقالات متعدد پیرامون اقتصاد مقاومتی و مردمی‌سازی اقتصاد
۶	عضو هیئت علمی دانشگاه قم	استادیار	اقتصاد	مقالات متعدد پیرامون اقتصاد مقاومتی و مردمی‌سازی اقتصاد

۷	عضو هیئت علمی دانشگاه قم	استادیار	اقتصاد	مقالات متعدد پیرامون اقتصاد مقاومتی و مردمی‌سازی اقتصاد
۸	عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (ع)	استادیار	اقتصاد	کتاب و مقالات پیرامون اقتصاد اسلامی
۹	مدرس حوزه و دانشگاه	استادیار	اقتصاد	کتاب و مقالات پیرامون اقتصاد اسلامی
۱۰	مدرس حوزه و دانشگاه	استادیار	اقتصاد	کتاب و مقالات پیرامون اقتصاد اسلامی

برای استخراج موضوعات ۵ جلسه با حضور متخصصین اقتصاد توسعه و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و اقتصاد مقاومتی و نیز اقتصاد اسلامی برگزار گردید. پس از تبیین موضوع توسط مسئول گروه کانونی، ابتدا اعضا تلاش نمودند نظرات خود را پیرامون اهمیت موضوع ارائه نموده و ابعاد آن را از منظر خود باز نمایند. سپس بر اساس نظرات گروه، اعضا موظف شدند عناوین پیشنهادی اولیه خود را بر اساس مذاکرات صورت گرفته، تحریر نمایند. در جلسه دوم، پس از طرح عناوین به دسته بندی عوامل پرداخته شد و تلاش گردید یک پیش نویس از موضوعات در طبقات مختلف ذکر شده، در جلسات آماده شود. در جلسه سوم، به نقد و بررسی جایگاه هر کدام از عناوین در طبقات مذکور پرداخته شد و در نهایت پس از جابجایی های صورت گرفته، فهرست نهایی تهیه شده و برای اعتبارسنجی طبقه بندی موضوعات مردمی سازی و زیرعناوین، این طبقه بندی در معرض بررسی سه نفر از متخصصین خارج از گروه قرار گرفت و پس از تأیید کلی و اعمال نقطه نظرات آنها محورها و عناوین موضوعات قابل بررسی زیر برای تولید ادبیات اقتصاد مردمی احصا شد:

### یافته‌های حاصل از گروه کانونی

طی تضارب آرای انجام شده در گروه کانونی، نظام موضوعات و مسائل بایسته برای اقتصاد مردم‌بنیان، در چهار عنوان کلی دسته‌بندی شد که عبارتند از: اول: مطالعات نظری و بنیادین، دوم: مطالعات مرتبط با حکمرانی و اجرا، سوم: مطالعات بخشی اقتصاد مردم‌بنیان، و چهارم: مطالعات میان‌رشته‌ای.

محور اول: مطالعات نظری و بنیادین

این تحقیق از نوع تحقیقات نظری است که در آن محقق بدون داشتن یک هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه می‌پردازد. اساس تحقیق محض برای یکی از اهداف علوم انجام می‌شود که نوعی علم برای علم است. این نوع از تحقیقات به دلیل آنکه راهگشای سایر مطالعات و بررسی‌هاست، مورد توجه است؛ بنابراین تحقیقات بنیادی از نوع مطالعات نظری هستند. موضوعات مرتبط با مطالعات نظری و بنیادین در حوزه اقتصاد مردمی به شرح ذیل است:

### مبانی فلسفی مردمی‌سازی اقتصاد

(مفهوم‌شناسی، تفاوت‌ها با مفاهیم مشابه یا بدیل، جایگاه‌یابی و نسبت‌سنجی اقتصاد مردمی در میان بخش خصوصی، عمومی، تعاونی و غیرانتفاعی (بخش سوم اقتصاد یا بخش خیرخواهانه))

توضیح: بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد که به علت فقدان ادبیات نظری منسجم در باب اقتصاد مردم‌بنیان، برداشت دقیقی از اقتصاد مردم‌بنیان وجود نداشته و هر یک از کسانی که به این موضوع می‌پردازند، مردمی‌شدن اقتصاد را به یکی از بخش‌های خصوصی، تعاونی، و بخش خیرخواهانه اقتصاد و یا حتی به ملی‌سازی اقتصاد تفسیر کرده یا فرومی‌کاهند. لذا یکی از گام‌های پژوهشی اولیه در این خصوص، واکاوی مفهوم اقتصاد مردمی از حیث ربط و نسبت آن با بخش خصوصی، بخش عمومی، بخش تعاون و بخش سوم اقتصاد (خیریه‌ها و موقوفات) و نیز ملی‌سازی می‌باشد.

۱ به مفهوم توسعه مالکیت‌های عمومی، در مقابل مالکیت دولتی.

## رویکرد مکاتب مختلف اقتصادی به نقش مردم در اقتصاد به صورت تحلیلی و انتقادی (با نظر

به تأثیر ایجابی آن بر مقاوم شدن اقتصاد)<sup>۱</sup>

توضیح: جایگاه نقش مردم و دولت در اقتصاد، از مباحث بسیار مهم در اندیشه متفکرین اقتصادی و مکاتب اقتصادی بوده است و بر اساس این اندیشه‌ها سیاستگذاران اقتصادی تلاش می‌کنند حد و مرز بستر مشارکت اقتصادی مردم را فراهم کنند. این موضوع یکی از مرزهای بین مکاتب اقتصادی را معرفی می‌کند. اینکه صاحبان اندیشه و مکاتب مختلف چه جایگاهی را برای مردم قائل هستند و چه حد و مرزی را برای مداخله مردم در اقتصاد می‌شناسند از مباحث مهمی است که باید مورد تحلیل و نقد و بررسی قرار گیرد.

### مبانی اسلامی مردمی‌سازی اقتصاد از منظر قرآن و سنت

توضیح: اگرچه اتکای صرف به قرآن و سنت، برای فهم اقتصاد مردم‌بنیان (و حتی اقتصاد اسلامی) نمی‌تواند روش مثمر ثمری باشد؛ با این حال مؤلفه‌های مفهومی و مبانی نظری متعددی را می‌توان به سود اقتصاد مردمی در آیات و روایات و نیز در نهادهای اخلاقی و فقهی اسلام جستجو کرد. نفی ولایت هر موجودیتی به غیر از خدا و رسول او بر مردم، نقش پررنگ فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی در جامعه صدر اسلام، برخی احکام فقهی که در تعامل عنصر کار و سرمایه، نقش پررنگ‌تری را به نیروی کار می‌دهد و ... نمونه‌هایی از مؤلفه‌ها و مبانی‌اند.

### مبانی اسلامی مردمی‌سازی اقتصاد از منظر رهبران انقلاب

توضیح: انقلاب اسلامی ایران که بنیان‌های نظری و فکری آن برآمده از اندیشه‌های اسلامی رهبران آن است تلاش نموده تا نظام سیاسی آن را بر پایه مشارکت و حضور مردم در صحنه استوار نماید. تأکید بر جمهوریت

---

۱ ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکاناتشان باید بیایند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بی‌پایانی که در این کشور وجود دارد، که واقعاً این نیروها هم بی‌شمارند. بنده سالهای متعددی است که سروکار دارم با قشرهای مختلف مردم؛ درعین حال گاهی یک چیزهایی برای ما آشکار میشود که من مبینم از اینها هم غافل بودیم. این قدر عناصر آماده‌ی به کار، یا دارای مهارت، یا دارای ابتکار، یا دارای دانش، یا دارای سرمایه در کشور هستند که اینها تشنه‌ی کارند؛ دولت بایستی برای حضور اینها زمینه‌سازی کند، اینها را راهنمایی کند که کجاها میتوانند توان خودشان را به کار ببندند، از آنها حمایت بکند؛ مسئولیت عمده‌ی دولت این است. حالا فعالیت اقتصادی دولت در یک بخشهای ناگزیری، قهراً وجود خواهد داشت؛ لکن باید فعالیت اقتصادی به مردم داده بشود؛ که در این سیاستها مورد ملاحظه قرار گرفت. (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

نظام، تحریض و تأکید بر انتخابات و صیانت از آن، و معرفی مفهوم مردم‌سالاری دینی به عنوان بدیلی اسلامی برای نقش‌آفرینی مردم در جامعه و سرنوشت خود از سوی رهبران نظام اسلامی، و مواردی از این دست، حاکی از رویکرد و نگرشی‌اند که نمی‌توان آن را محصور به ساحت سیاست دانست. لذا تبیین نظرات رهبران انقلاب اسلامی در این خصوص می‌تواند ادبیات قابل اتکایی برای اقتصاد مردم‌بنیاد تولید نموده و پشتوانه نظری برای سیاستگذاران اقتصادی ایجاد کند.

### **تبیین نسبت مردمی‌سازی اقتصاد با اقتصاد مقاومتی و نقش آن در مدیریت تکانه‌های اقتصادی**

توضیح: از آنجا که دو مفهوم اقتصاد مردم‌بنیان و اقتصاد مقاومتی دو مفهوم نوظهور در ادبیات اقتصاد سیاسی کشور ما بوده و دارای بسترهای شکل‌گیری و اهداف سیاستی نسبتاً مشترکی هستند، کاملاً به‌جاست که نسبت میان این دو مفهوم که به نوعی هر دو، راهکارهایی برای نجات از یک اقتصاد دولتی رانتیه باشند، معلوم شود. از سوی دیگر یکی از اهدافی که از انتقال اقتصاد دولتی و رانتیه به اقتصاد مردم‌بنیاد دنبال می‌شود، مشارکت مردم در مدیریت تکانه‌های اقتصادی است. اینکه مردم از چه کانال‌ها و به واسطه‌ی چه عواملی نقش خود را در مدیریت تکانه‌های اقتصادی می‌توانند ایفا کنند نیاز به تبیین نظری دارد.

**جایگاه مردم در ادبیات توسعه انسانی و توسعه پایدار و رهاورد آن برای اقتصاد مردم‌بنیان**

سیر نظریات توسعه اقتصادی از نگرش صرفاً کمی و مادی که در نظریات رشد اقتصادی انعکاس یافته است به سوی نظریات کیفی‌تر توسعه انسانی و توسعه پایدار و ... حاکی از اهمیت یافتن نقش انسان و به تبع مردم در الگوهای مورد توصیه اقتصاددانان توسعه است. به عبارت دیگر، توجه به نقش مؤثر مردم در فرآیند توسعه و پیشرفت جوامع و مصونیت آنها در مقابل بحران‌ها و تکانه‌های اقتصادی، مسبوق به سابقه در ادبیات اقتصادی دهه‌های اخیر بوده و رصد این تجربیات برای مفهوم‌سازی اقتصاد مردم‌بنیان در بستر اندیشه اسلامی ضروری می‌باشد.

### **تبیین نظری آثار مردمی‌سازی اقتصاد بر اصلاح ساختار اقتصادی کشور**

توضیح: اقتصاد ایران از دو منظر عامل و ساختار، نیازمند اصلاحات اساسی است. هر اقتصادی حول هر عاملی ساختارهای موجود را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. آنچه این موضوع مورد بررسی قرار خواهد داد اینست که اگر مردم مشارکت فعالانه در عرصه‌های مختلف اقتصادی داشته باشند چگونه ساختارهای اقتصاد دولتی و رانتیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### **نقش و جایگاه مردم در رویکردهای مختلف مقاوم سازی اقتصاد در تاب آوری، ضدشکنندگی، بازدارندگی اقتصادی و اقتصاد اجتماعی و هم بسته (Solidarity economy)**

توضیح: ایفای نقش مردم در اقتصاد، به نحوی که با اندک فشار و تنش حتی ملایم و متوسط به راحتی دچار شکست نشده و در مقابل، از عوامل تنش-زای قوت کسب کند و از شکست-ها قدرت به دست آورد نیازمند تبیین نظری است؛ و یا اینکه چگونه با اتکا به ظرفیت مردم، یک سیستم اقتصادی می‌تواند در مقابله با تکانه‌های کوتاه مدت داخلی و خارجی و همچنین تغییرات بلند مدت در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و شرایط جوی، روند رشد خود را ادامه دهد از موضوعات مهم قابل بررسی است. از طرف دیگر نقش مردم در ریشه‌دار کردن فعالیت‌های اقتصادی با ایجاد پایه‌های محکم، مشارکت و تعاون و اقدام متقابل چیست؟

### **بررسی آثار مردمی سازی اقتصاد بر گسترش انواع مختلف عدالت اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و...**

بسترسازی برای به میدان آوردن توانمندی‌های مردم در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی می‌تواند حقوقی را برای آنها داشته باشد چگونگی تناسب حقوق با تکالیف در حوزه‌های مختلف مذکور و توزیع عادلانه منابع بر اساس میزان مشارکت افراد در اقتصاد می‌تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

### **بررسی مکانیزم‌های انگیزشی برای مردمی سازی اقتصاد**

توضیح: اگر اقتصاد مردم‌بنیان به معنای اقتصاد با محوریت بخش خصوصی باشد، مناقشه چندانی در باب نظام انگیزشی این اقتصاد وجود ندارد. اما چنانچه اقتصاد مردم‌بنیان، متفاوت از یک اقتصاد بازاری با نظام انگیزشی مبتنی بر نفع شخصی و معیار هزینه-فایده باشد، بی‌تردید نظام انگیزشی آن نیازمند شرح و تبیین

خواهد بود. افزون بر این در دوران گذار از یک اقتصاد دولتی و رانتیه که بخش قابل توجهی از مردم را در ساختار خود جای داده است و مردم نیز به نظم موجود خو گرفته‌اند، به یک اقتصاد مردمی، چگونه می‌توان سازوکارهای انگیزشی لازم را به وجود آورد و نقش دولت در این میان چیست؟

### **چگونگی مردمی شدن اقتصاد در اقتصادهای رانتی در جهت مقاوم کردن اقتصاد در برابر تکانه‌های مختلف**

توضیح: اقتصاد رانتی اقتصادی است که بخش اعظم درآمد خود را از راه صادرات یک یا چند ماده خام به دست آورد. از آنجا که این مواد خام و صادرات آنها نوعاً در اختیار دولت‌هاست، در این اقتصادها حجم دولت به طور فزاینده‌ای گسترش یافته و افزون بر تعمیق ناکارایی و عدم احساس نیاز به پاسخگویی در مقابل شهروندان، از آسیب‌پذیری فوق‌العاده‌ای در برابر تهدیدها و تکانه‌های سیاسی و اقتصادی برخوردار می‌گردند. همچنین یکی از چالش‌های این دولت‌ها بیماری هلندی و تورم ناشی از وارد کردن ارز حاصل از این صادرات در اقتصاد داخلی است. به نظر می‌رسد وارد کردن مردم در این فرایندها ظرفیت بالایی برای برون‌رفت از چالش‌های مربوطه دارد.

### **مکانیسمهای کاهش تضاد منافع در جهت مردمی شدن اقتصاد با رویکرد مدیریت تکانه‌ها**

توضیح: تعارض منافع یا تراحم منافع (Conflict of interest) به شرایطی گفته می‌شود که افراد یا نهادها (دولت، رسانه، کسب‌وکار و مانند آن) با انتخاب «وظایف خود» یا «منافع شخصی یا گروهی مجزا» مواجه می‌گردند. تعارض منافع یکی از واژگانی است که در عمده علوم انسانی مثل حقوق و علوم سیاسی مورد بررسی قرار گرفته‌است. تعارض منافع/تعارض علائق/تضاد منافع/مناقشه منافع از دیگر واژه‌های همسان برای این کلمه است. در کل به معنای در عرض هم قرار گرفتن منافع مختلف است به نحوی که نتوان یکی را بر دیگری ترجیح داد. چگونگی مدیریت تعارض و تضاد منافع اجازه نمی‌دهد مردم توانمندی‌های خود را به صحنه اقتصاد آورده و در زمان حساس که نیازمند مشارکت مردم در مدیریت تکانه‌های اقتصادی هستیم از مواهب آن استفاده شود.

### **مردمی‌سازی تجارت بین‌الملل، کلیات و شواهد**

توضیح: ورود مؤثر در عرصه تجارت جهانی مستلزم بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی و بیرونی در جهت منافع ملی، و هم‌افزایی بازیگران مختلف اقتصادی کشور است. جایگاه بایسته دولت در این میان عبارت است از دیپلماسی اقتصادی برای به هم رسانی ظرفیت‌های بیرونی و درونی از یکسو، و تنظیم‌گری عرصه تجارت خارجی به منظور تضمین فضای رقابتی و مبارزه با انحصارها از سوی دیگر است. تجربه نشان داده است دولتی بودن بازرگانی و تداول امتیازات انحصاری در دست گروهی ویژه، نه تنها منافی اصول انصاف و برابری است بلکه ناتوان از تأمین شروط کارایی، به علت محدودیت اطلاعاتی عوامل معدود دولتی و شبه‌دولتی است. این در حالی است که در شرایط تحریم نیز این الگوهای دولتی و انحصار به شدت آسیب‌پذیرتر از الگوهای مردمی و متکثرند.

حرکت به سمت مردم‌بنیان کردن تجارت خارجی از دیدگاه نهادی، نیازمند فهم دقیق «داستان» هر یک از بازارها و کنش‌های متقابل بازیگران آنها و ساختار منافع شکل گرفته در آن است. این مسأله باعث می‌شود پس از احصای مزایای احتمالی مردمی شدن تجارت خارجی به صورت به رویکرد عمومی، سیاست‌گذار برای پیاده‌سازی این الگو در هر بازار به طور خاص (خوراک دام، روغن، شکر، نفت و ...)، نیازمند مطالعات خاص آن بازار برای طراحی سازوکار خروج از شبکه منافع موجود و برقراری نظم مطلوب می‌باشد.

### مردمی‌سازی مالیه بین‌الملل

توضیح: یکی از ابعاد جدی بحران‌های اقتصادی کشورها - و به‌ویژه کشور ما - در سال‌های اخیر چالش‌های ارزی بوده است؛ تا آنجا که تلاطم‌های بازار ارز در برخی مقاطع، نقش کلیدی در ایجاد بحران اقتصادی ایفا کرده‌اند. اگرچه در نظام پول حکمی (Fiat money)، انتخاب نظام ارزی اعم از شناور، مدیریت شده و ... در دست سیاست‌گذار پولی و ارزی است، اما چه درون نظام پول حکمی و چه فراتر از آن، می‌توان مؤلفه مردمی بودن را در رژیم‌های مختلف ارزی و توانایی هر یک از آنها برای مقابله با تکانه‌های اقتصادی را مورد بررسی و مقایسه قرار داد.

### محور دوم: مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا

قوانین و مقررات

## تحلیل انتقادی اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر مردمی شدن اقتصاد

توضیح: یکی از ابعاد اصلی اقتصاد مقاومتی، مردم‌بنیان بودن آن دانسته شده است. این مهم برای عملیاتی شدن نیازمند بسترسازی قانونی در سطوح مختلف است تا سیاست‌گذار بتواند با استناد به قوانین مقتضیات حضور مردم در اقتصاد را فعال؛ و موانع حضور را برطرف نماید. این مسأله نیازمند بررسی است که تا چه حد اسناد بالادستی بستر سیاست‌گذاری اقتصادی را در سطوح پائین تر فراهم کرده است.

## تحلیل انتقادی قوانین مصوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تمرکز بر مردمی شدن اقتصاد

توضیح: قوانین مصوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می‌توان از منظر مردمی‌سازی اقتصاد مورد تحلیل انتقادی قرار داد. باید بررسی شود که رویکرد مردمی‌سازی اقتصاد چه جایگاهی در قوانین مذکور دارد.

شاخص‌شناسی و شاخص‌سازی

### شاخص‌های مردمی شدن اقتصاد

توضیح: شاخص ابزار مشخص کردن یک موضوع است. شاخص‌ها به منزله معیارهایی هستند که به وسیله آن می‌توان کمیت، کیفیت، تغییرات و یا ثبوت رفتار و عملکرد را اندازه‌گیری نمود. به عبارت دیگر آمال، آرزوها، علائق و اندیشه‌های سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان حوزه فرهنگ در شاخص‌های ارزیابی نمایان می‌شوند. همانطور که شاخص‌هایی برای میزان اتکای اقتصاد به دولت در اقتصاد تعریف شده است نیاز است تا بر پایه‌ی مفهوم‌شناسی دقیق از اقتصاد مردمی، شاخص‌هایی برای مردمی‌شدن اقتصاد تعریف شود.

۱-۱-۴- الگوها و سازوکارهای «بخشی» مردمی‌سازی (سیاست‌نامه‌های کوچک برای

موضوعات کاربردی)

### نظام پولی و بانکی

توضیح: از آنجا که یکی از ارکان هر نظام اقتصادی، نظام پولی و بانکی آن است این انتظار طبیعی است که نسبت نظام بانکداری ذخیره‌جزئی که هم‌اکنون در عموم کشورهای جهان شایع است چه نسبتی با

مردمی بودن دارد. آیا سازوکار خلق پول و اعتبار در این نظام، از حیث منشأ و منافع، مردمی است؟ آیا بسته‌های نجات بانکی که در بحران‌های این نظام توسط بانک‌های مرکزی و دولت‌ها به اجرا گذاشته می‌شود قابل اتصاف به مردمی بودن هستند؟ آیا درونزا بودن عرضه یا خلق پول، لزوماً به معنای مردمی بودن آن است؟ چه نسبتی می‌توان میان سیاست‌های پولی و مردم‌بنیان بودن سیستم پولی برقرار کرد؟ الگوی مردم‌بنیان نهاد قرض‌الحسنه چگونه است؟ آیا سپردن این نهاد خیرخواهانه به بانک انتفاع‌محور می‌تواند با مردمی بودن آن سازگار باشد؟ نسبت عقود اسلامی در بانکداری بدون ربا با مردمی بودن چیست و شکست‌های بانکداری بدون ربا چه نسبتی با آن دارد؟

آیا پول حکمی و دولتی (Fiat money) می‌تواند یک پول مردمی باشد؟ نسبت رمزارزها با مردم‌بنیان بودن نظام پولی چیست؟ نسبت مفاهیم متمرکز یا غیرمتمرکز بودن پول با مردمی بودن آن چیست؟ نسبت مردمی بودن رمزارز با ثبات یا عدم ثبات ارزش آن چیست؟

### نظام مالی و بیمه‌ها

بسیاری از محققان اقتصاد اسلامی، نقش پررنگ‌تری برای نهادهای مالی در مقایسه به نهادهای پولی در نظام اقتصادی اسلامی قائلند. با این حال جای این پرسش کاملاً وجود دارد که آیا کارکرد نهایی نهادهای بازار سرمایه به سود اکثریت مردم می‌باشد یا خیر. سهم تنظیم‌گری بازارها و نهادهای مالی در تضمین منافع عمومی و مردمی به چه میزان است؟ آیا می‌توان نسبتی میان بحران‌های مالی، و مردمی بودن یا نبودن نظام مالی یافت؟ آیا می‌توان بیمه‌های خصوصی را الگویی مردم‌بنیان برای پوشش ریسک‌های مختلف شخصی و تجاری قلمداد کرد؟ چه دلالت‌هایی می‌توان از مقایسه نهاد بیمه مدرن و نهاد اسلامی ضمان عاقله از حیث مردم‌بنیان بودن یافت؟

### الگوی بنگاه تولیدی و مسأله تعاونی

آیا می‌توان ساختار موجود بنگاه تولیدی که در آن نیروی کار، اجیر است را ساختاری مردم‌بنیان یا مردم‌سالار دانست؟ آیا شرکت تعاونی لزوماً یک بنگاه مردم‌بنیان است؟ آیا می‌توان الگوی تعاونی را بر اساس فقه اسلامی مدلل و موجه کرد؟ آیا هیچ‌یک از شرکت تجاری مدرن و شرکت تعاونی، می‌توانند

مختصات مردم‌بنیان بودن و مردم‌سالاری اسلامی را تأمین کنند؟ عقود و الگوهای تولیدی در اقتصاد اسلامی چه نسبتی با مردم‌بنیان دارند؟ آیا می‌توان بر اساس الگوهای اسلامی به یک الگوی مردم‌بنیان نوین برای بنگاه تولیدی دست یافت؟ حقوق شرکت‌ها با نظر به معیار مردم‌بنیان بودن نیازمند چه تغییراتی است؟

### نظام تأمین اجتماعی

آیا الگوی تأمین اجتماعی حق‌بیمه‌محور می‌تواند یک الگوی مردمی تلقی شود؟ نسبت مالکیت عمومی شکل گرفته در خلال این سیستم (شرکت‌های سرمایه‌گذاری تابعه این سازمان تأمین اجتماعی) با مردم‌بنیان بودن چیست؟ کدام یک از دو الگوی تأمین اجتماعی حق‌بیمه‌محور و مالیات‌محور به مردمی بودن نزدیک‌تر است؟ الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام از حیث مردمی بودن چگونه است و چگونه می‌توان عناصر مثبت آن را در نظام‌های معاصر تأمین اجتماعی نهادینه کرد؟ نسبت تأمین اجتماعی مردم‌بنیان با تأمین اجتماعی فراگیر چیست و در کدام الگوی تأمین اجتماعی می‌توان با سهولت بیشتری به آن دست یافت؟

### مدیریت و بهره‌برداری انفال، منابع طبیعی و نفت

رابطه مردم‌بنیان بودن و عدالت بین‌نسلی چیست و دلالت‌های آن در بهره‌برداری از منابع طبیعی چیست؟ اصولاً چه تفاوت‌هایی میان مالکیت عمومی و امام در فقه اسلامی وجود دارد و دلالت‌های آن برای مردمی‌سازی حوزه منابع طبیعی و انفال چیست؟ در کدام یک از الگوهای بهره‌برداری از منابع طبیعی و نفت، مؤلفه مردمی‌بنیان بودن پررنگ‌تر است؟ جایگاه نهاد اسلامی و مردمی‌حیازت در قواعد و رویه‌های جاری مدیریت منابع طبیعی کشور چیست و چگونه می‌توان آن را در شرایط تکنولوژیک جدید به‌روزرسانی کرد به نحوی که هویت مردم‌بنیان آن به احتکار منابع طبیعی توسط حاکمیت بدل نگردد؟ راهکارهای مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) چه ظرفیتی در بهره‌برداری و مدیریت مردم‌بنیان منابع طبیعی دارند؟

راهکارهای مردمی کردن بخش پایین دست نفت کدام است؟ نقش مردمی کردن بخش نفت در مقابله با تحریم‌ها چیست؟ توجه به توسعه پتروپالایشگاه‌ها تا چه حد در مردمی کردن بخش پایین دست نفت چه اندازه است و اقتضائات آن چیست؟ ظرفیت‌های مردمی‌سازی در بخش بالادست نفت چه اندازه وجود دارد؟

آیا نمی‌توان از ظرفیت مردمی در بازرگانی نفت خام و کاستن از تهدید تحریم‌ها استفاده برد و راهکارهای اجرایی آن چیست؟

### امنیت و دفاع

تأثیر نگرش مردم‌بنیان در بخش امنیت و دفاع، چه بسا کمتر از بسیاری از دیگر بخش‌های نظام اقتصادی نباشد؛ البته با لحاظ دقت در تمایز میان الگوی مردم‌بنیان و الگوهای دولت‌سالار و سرمایه‌سالار. مسأله سربازی حرفه‌ای یا اجباری یکی از این مسائل است که هنوز از این منظر مورد مطالعه جدی قرار نگرفته است. افزون بر این، معرفی الگوی بسیج در دفاع مقدس توسط امام راحل (ره) به عنوان یک الگوی داوطلبانه و مردمی، یکی از نقاط کلیدی در نهادسازی‌های انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود که هنوز در مطالعات اقتصاد جنگ و امنیت جایگاه بایسته خود را پیدا نکرده است. این در حالی است که این نیروی مردمی چه در زمان دفاع مقدس و چه پس از آن، مشارکت‌های قابل ملاحظه‌ای در تأمین امنیت کشور داشته است. این تجربه نشان می‌دهد که الگوهای داوطلبانه جهاد در صدر اسلام، ظرفیت بالایی برای توسعه و به‌کارگیری در جوامع امروزی دارند که به نوبه خود می‌تواند یکی از موضوعات تاریخی در حوزه اقتصاد جنگ مردم‌بنیان به شمار رود.

### بهداشت و درمان

بخش بهداشت و درمان نیز مانند بسیاری از دیگر بخش‌های اقتصاد کشورمان میان دوگانه دولتی-خصوصی در تردد بوده و در هر سو با تناقض‌های آن درگیر است: در سوی دولتی، مواجهه با هزینه‌های بالا، تخصیص‌های ناکارآمد و تحمیل بار سنگین بودجه به دولت است و در سوی خصوصی و خودگردانی، مواجهه با هزینه‌های درمانی بالا و فشار به اقشار محروم. به نظر می‌رسد ظرفیت‌های قابل توجهی در الگوهای مردم‌بنیان، به عنوان بدیل الگوهای موجود نهفته باشد، به طوری که علاوه بر کاستن از بار مالی بخش بهداشت و درمان در بودجه دولت، نیاز به بیمه‌های مختلف تأمین اجتماعی و خصوصی را نیز کاهش دهد. با ملاحظه اینکه حوزه میان‌رشته‌ای «اقتصاد بهداشت و درمان» به خودی خود رشته‌ای نسبتاً نوپا در کشور

ماست، توجه به الگوهای مردم‌بنیان در این پرداختن اقتصادی به بخش بهداشت و درمان، می‌تواند از همین ابتدا مانع از شکل‌گیری سیاست‌های ناکارای متعارف در حکمرانی این بخش گردد.

### زمین و مسکن

تأثیر الگوهای بخش مسکن از مبانی ایدئولوژیک را نمی‌توان کمتر از بسیاری از دیگر بخش‌های اقتصاد دانست. یکی از علل آن، تبعیت این الگوها از نظام‌های مالکیت ارضی است. خصوصی یا دولتی یا عمومی بودن زمین نقش بسزایی در وضعیت بازار مسکن و دیگر شیوه‌های تولید و توزیع مسکن دارد. با این حال اینکه الگوی مردم‌بنیان در این میان کدام است، مقوله‌ای است که نیاز به تحقیق دارد. افزون بر این، نقش مردم و منافع اکثریت ایشان در شکل‌دهی به الگوهای ساخت و تأمین مسکن نیز محتاج بررسی‌های جدی است. استفاده از توسعه‌گرها، ایجاد تعاونی‌های مسکن و یا حمایت از شخصی‌سازی، حداقل گزینه‌های محتمل است که هر یک تبعات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خاص خود را دارند که بعضاً آزمون خود را در سالهای اخیر در کشورمان نشان داده‌اند.

### مدیریت شهری

سالهاست که مدیریت شهری به‌ویژه در کلان‌شهرهای کشورمان با وضعیتی شکننده روبروست. فقدان درآمدهای پایدار شهری باعث شده است شهرداری‌ها برای تأمین مالی به شیوه‌هایی دست یازند که علاوه بر ناپایدار بودن، مفسده‌های متعددی در بر دارد. زمین‌فروشی، تراکم‌فروشی و اخذ مالیات‌های سنگین یک‌جا برخی از این شیوه‌های ناپایدار و نوعاً غیرمنصفانه و خلاف مصالح بلندمدت مردم است. برخی یکی از علل این وضع را خودگردانی شهرداری‌ها و محرومیت آنها از بخش قابل توجهی از مالیات‌های پرداختی شهروندان می‌دانند. از منظری دیگر، تمرکز نظام اقتصادی و مالی باعث یک انتقال ثروت جدی از پیرامون به مرکز در کشور ما شده و به تبع، نقش شهرداری‌ها را از دولت محلی - که دارای اختیارات برای مدیریت یکپارچه نهادهای مختلف یک شهر است - به عرضه‌کننده برخی خدمات محدود شهری تغییر داده است. بر این اساس تکیه بر عنصر مردم‌بنیان بودن مدیریت شهری، چه بسا سرآغازی بر بازاندیشی در مورد نظام اقتصادی متمرکز کشور و واکاوی مزایای فدرالیسم مالی و اقتصادی باشد.

## اوقاف و امور خیریه

از آنجا که اوقاف و امور خیریه - یا در معنای اعم و اصطلاح اقتصادی، «بخش سوم» اقتصاد - در عرض بازار و دولت قرار دارد، ظرفیت بالایی برای پی‌جویی آرمان مردم‌بنیان بودن در نهادها و رویه‌های آن وجود دارد. با این حال به نظر می‌رسد در دهه‌های اخیر، تحت‌الشعاع دولت بزرگ و نگرش‌های دولت‌محور برخی کارایی‌های خود را از دست داده است. تمرکز قرض‌الحسنه - یکی از مهم‌ترین نهادهای نیکوکارانه - در نهاد انتفاعی بانک، کمیته امداد با دیوانسالاری شبه‌دولتی، اداره اوقاف و آستان قدس رضوی نمونه‌هایی از این نکته‌اند که به صورت جدی نیاز به بازنگری از منظر مردم‌بنیان بودن‌اند. افزون بر این برخی از رویه‌های نانوشته در اوقاف که تلاش می‌کند اختیارات متولی خاص را سلب کرده یا حتی الامکان اختیارات بیشتری برای سازمان لحاظ کند از حیث مردمی بودن نیازمند مطالعه و بازنگری است. کسب اجاره‌بهای ناچیز و خلاف واقعیت‌های بازار، آسیب رایج موقوفات کشور است که به نظر می‌رسد باعث کاهش انگیزه‌های بعدی برای وقف زمین شده و از سوی دیگر، الگوی درآمد پایدار مبتنی بر اجاره را تبدیل به الگوی ناپایدار زمین‌فروشی در نهادهای موقوفه (اوقاف و آستان قدس رضوی) کند.

## آموزش

نظر به اینکه در ساختار اجرایی کشور ما اقل‌سه وزارت‌خانه به مسأله آموزش - اعم از عمومی و عالی - پرداخته و بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه جاری کشور صرف آن می‌گردد، می‌توان دریافت انتخاب الگوی حکمرانی مناسب یا اشتباه در این بخش چه تأثیرات گسترده‌ای از حیث عدالت و کارایی و رفاه برای جامعه در بر داشته باشد. هویت نظام آموزشی مدرن در کشور ما در طی عمر حدوداً یکصدساله خود، هویتی دولتی بوده است. اگرچه در تلاش برای متکثر و غیردولتی کردن این نظام در سالهای پس از دهه ۱۳۶۰ یا از دوران سازندگی به این سو، نهادهایی آموزشی تحت عنوان غیرانتفاعی گسترش یافت، اما در نگاه دقیق، این مدارس و دانشگاه‌ها از سنخ بازاری، خصوصی و یا انتفاعی بودند. آموزش در کشور ما هنوز از دوگان بازار-دولت خارج نشده است و روشن است که هیچ‌یک از این دو الگو با معیارهای مردمی بودن مطابقت نداشته و نیاز مبرمی به طراحی و اندیشه‌ورزی در باب الگوهای مردمی آموزش به ویژه با عنایت به

ظرفیت‌های بخش سوم اقتصاد یا بخش خیرخواهانه وجود دارد. به ویژه این که به نظر می‌رسد آموزش در طول تمدن اسلامی متکی بر چنین سازوکارهایی بوده است.

**محور سوم:** تجربه نگاری داخلی و خارجی مردمی‌سازی اقتصاد و آثار آن در مقاوم کردن اقتصاد در برابر تکان‌ها و مقایسه تجارب در سطح منطقه ای و بین‌المللی

### دلالت‌های حضور مردم در دفاع مقدس برای اقتصاد ایران

دوران دفاع مقدس الگوهای متعدد و جذابی از تجارب مردم‌بنیان در مدیریت جنگ را معرفی کرده است که متأسفانه به میزان بایسته مورد مطالعه علمی قرار نگرفته است. الگوی بسیج، شاخص‌ترین آنهاست که در نقطه مقابل سربازگیری اجباری قرار گرفته و منشأ بسیاری از رویش‌های فرهنگی و فکری در طول هشت سال دفاع مقدس شده است. تجربه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نهاد نظامی رسمی مولود پس از انقلاب نیز دارای نکته‌های قابل تأملی برای کشف الگوهای دینی در حوزه اقتصاد جنگ بر اساس گرایش‌های ارزشی و دینی عوامل سازنده و شکل‌دهنده این الگوها می‌باشد. فقدان سیستم درجه‌داری در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تا مقطعی خاص و نظام پرداخت تقریباً بی‌طبقه، یکی از این نکات قابل مطالعه است.

### تجربه مردمی شدن اقتصاد و جهاد سازندگی

جهاد سازندگی یکی از نهادهای رویدادهای پس از انقلاب است که نقش قابل توجهی در آبادانی و توسعه نقاط محروم و روستایی کشور ایفا کرده است. اگرچه جهاد سازندگی پس از دو دهه فعالیت در وزارت کشاورزی ادغام شد، تجربه حدود دو دهه فعالیت آن با تحلیل‌های متفاوت و تا حدودی متضاد مواجه بوده است. گروهی جهاد سازندگی به ویژه در دهه اول انقلاب را نمونه‌ای بدیع از الگوهای مردمی اقتصاد دانسته که با ادغام در وزارت کشاورزی به محاق رفته است. و گروهی دیگر، آن را تجربه‌ای ناموفق از فعالیت‌های خیرخواهانه متکی - تا حدودی - بر منابع دولت رانتیه و مهم‌تر از آن تصمیم‌سازی دولتی و غیرمردمی تلقی می‌کنند. قضاوت در این خصوص نیازمند پژوهش‌هایی دقیق است که بسا با یافتن شواهدی به سود هر یک از دو دیدگاه، به بازآفرینی الگویی جدید از جهاد سازندگی کمک کند.

### تجربه کشورهای اسکاندیناوی در خصوص مردم در اقتصاد

کشورهای اسکاندیناوی با برنامه‌های گسترده دولت رفاه خود به عنوان نظام‌هایی اقتصادی که در عین ادعای سوسیالیستی نبودن توانسته‌اند به میزان چشمگیری از تبعات سوء نظام‌های سرمایه‌داری جلوگیری کنند شناخته شده‌اند. اگرچه شاید مردمی نامیدن الگوهای دولت‌رفاه از بعد نظری دشوار باشد، اما برخی بررسی‌های تجربی در این خصوص با اتکا به شاخص‌های طراحی شده برای دموکراسی اقتصادی، حاکی از این است که این کشورها جایگاه بسیار ممتازی در این شاخص به دست آورده‌اند. این واقعیت، ضرورت پژوهش در نسبت‌سنجی الگوهای اقتصادی این کشورها با الگوهای مردم‌بنیان را دوچندان می‌کند.

### تجربه‌نگاری مشارکت مردم در حکمرانی پولی و مالی

نقدهای وارد بر نظام پولی و مالی متعارف به طور فزاینده‌ای رو به گسترش بوده و از چارچوب یک نحله و گروه خارج شده است. بخش زیادی از این نقدها اعطای قدرت خلق پول انحصاری به بانک‌ها را خلاف مردمی بودن پول می‌دانند. تعداد کمتری از این منتقدین، حتی با خلق پول دولتی یا پول پر قدرت توسط بانک مرکزی را نیز برتافته و آن را خلاف مصالح عموم مردم تلقی می‌کنند (میزس و طرفداران او در مکتب اتریش). به همین شکل، نهادها و بازارهای مالی مدرن مورد نقدهای جدی قرار گرفته است. این ادبیات نوظهور تحت عنوان مخالفت با مالی‌سازی (**financialization**) اقتصاد، مدعی است با گسترش بخش مالی اقتصاد می‌تواند در نهایت به افزایش دارایی‌های مجازی انجامیده و بخش واقعی اقتصاد را در تنگنا قرار دهد. از سوی دیگر، از آنجا که بازیگران اصلی در بازار مالی، بانک‌ها و نهادهای خالق اعتبارند، نقش مردم در این بازار بسیار کم‌رنگ بوده و غالباً زیان‌های حاصل از بحران‌های مالی ادواری به دوش آنان گذاشته می‌شود.

### تجربه‌نگاری مشارکت مردم در حکمرانی ثروت‌های طبیعی و انفال

روی کار آمدن دولت‌های مدرن در کشورهای اسلامی، بسیاری از آزادی‌های سنتی را محدود کرده است که یکی از مصادیق برجسته آن بهره‌برداری از منابع طبیعی است. اگرچه برخی این محدودیت را به پیشرفت‌های فناورانه مستند می‌کنند که به اتکای آن، بخش خصوصی توان استخراج بی‌رویه منابع طبیعی را

به دست آورده است، با این حال، راهکارهای بسیار متنوعی برای مهار این نکته در نظام های اقتصادی مختلف وجود داشته و تجربه شده است که در عین حفظ مصالح عامه، عنصر مردمی بودن را در بهره برداری از انفال و منابع طبیعی و آزادی ها و کارایی نهفته در آن را تضمین کرده و از انحصار و کنز منابع طبیعی توسط حاکمیت و در مضیفه قرار گرفتن بخش خصوصی پیشگیری می کند.

#### محور چهارم: مطالعات بین رشته ای

توضیح: اینکه مردم در سطوح نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری و در پی آن، تولید ارزش افزوده در جهت منافع ملی مشارکت نمایند نیازمند اینست که از ابعاد مختلف جامعه شناسی، سیاسی، حقوقی و تربیتی و رسانه ای مورد بررسی قرار گرفته و الزامات مختلف آن محقق شود. در ذیل به تبیین برخی از موضوعات پرداخته می شود:

#### بسترهای فرهنگی، تربیتی مردمی سازی اقتصاد

توضیح: نگرش ها، گرایش ها و رفتارهایی که بستر حضور فراگیر مردم و مسئولیت پذیر کردن آن ها در هم افزایی ظرفیت ها و توانمندی های خود و به صحنه آوردن سرمایه های متنوع خود به اقتصاد را فراهم می کند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است چرا که تغییرات فرهنگی قابلیت تغییرات ساختاری و عوامل اقتصادی را دارد. بخشی از تغییرات فرهنگ نیز تابع تغییرات نظام آموزشی و تربیتی است که زمینه ساز تغییرات نگرشی، گرایشی و رفتارهای اقتصادی مردم به عنوان عوامل اصلی اقتصاد مردم بنیان هستند. پژوهشگران فرهنگ اقتصادی در صورت دستیابی به تعریف اقتصاد مردم بنیان، باید به تبیین ابعاد و الزامات فرهنگی- تربیتی یک اقتصاد مردم بنیان پرداخته و مسیر سیاستگذاران را برای دستیابی به نقطه مطلوبی که می تواند بسترسازی فرهنگی و تربیتی متناسب با اقتصاد مردم بنیان را فراهم کند مشخص نمایند. خودباوری و اتکا به ظرفیت

مردمی شدن اقتصاد و رسانه ها و شبکه های اجتماعی، انقلاب دیجیتال (فناوری اطلاعات و ارتباطات)

توضیح: رسانه‌ها از دو جنبه در شکل‌گیری اقتصاد مردم بنیان نقش قابل توجهی دارند. هم رسانه‌های سنتی و هم رسانه‌های مدرن، هر دو با ابزارهای در اختیارشان قابلیت فرهنگسازی، شبکه‌سازی، بسیج مردم و همبستگی اجتماعی را دارند البته از طرف دیگر هم می‌توانند به گسست اجتماعی هم دامن بزنند. البته ابزارهای رسانه‌های مدرن و شبکه‌های اجتماعی، خود، بستر اقتصادهای نوپایی را فراهم کرده‌اند که در مقابل اقتصاد متمرکز دولتی قد علم کرده‌است و تمام نهادها و عوامل اقتصادی را دچار تحول نموده است که نیاز به بازتعریف دارد. آنچه مسلم است رسانه‌های جدید به واسطه غیرمتمرکز شدن مدیریت تولید محتوای خود، قدرت فوق‌العاده‌ای در انسجام اجتماعی و فروپاشی اجتماعی دارند. اینکه چه مکانیسم‌های طراحی شود تا به هم افزایی سرمایه‌ها در جهت منافع اقتصادی و شکل‌گیری اقتصاد مردم‌بنیان منجر شود، نیازمند مطالعه است. رسانه‌ها به عنوان نهادهای اقتصادی در دسترس، قابلیت فرهنگسازی و توانمندسازی و معرفی بسترهای مناسب اقتصاد مردم‌بنیان را دارند. آنچه مهم است آنکه به این سؤالات پاسخ داده شود که با چه محتوای مؤثری و چه ادبیاتی و نیز با چه پلتفرمی، بستر ورود مردم به صحنه اقتصاد فراهم می‌شود؟

### توانمندسازی مردم برای ایفای نقش موثر در اقتصاد

توضیح: مشارکت مردم در اقتصاد با سرمایه‌ها و ظرفیت‌های متنوع، نیازمند کسب توانایی‌های معنوی و مادی برای به کارگیری آن‌ها در اقتصاد است. چه بسا مردمی که به دلایل مختلفی از دارایی‌ها و سرمایه‌های مختلفی برخوردار بوده اما توان به جریان انداختن آن را به واسطه مشکلات متعددی از جمله ناآگاهی به قوانین و حقوق عام و خاص مرتبط، عدم شناخت نیازهای مردم، توانمند نبودن بازاریابی، نداشتن قدرت تعامل و مذاکره و... نمی‌توانند نقش خود را به درستی در اقتصاد ایفا کنند. چگونگی توانمندسازی مردم و نقش دولت و نهادهای عمومی و خصوصی در این عرصه می‌تواند موضوع مورد مطالعه پژوهشگران باشد.

### مردم و اقتصاد در گونه‌های سنتی و جدید حکمرانی

میزان مشارکت مردم و احساس مسئولیت آن‌ها در تشکیل نهادهای مردمی، از مهمترین نتایج حکمرانی خوب و عادلانه است. اجرای عادلانه قوانین، شفافیت و پاسخگویی نهادهای مسئول، احترام به نظرات مردم در عرصه‌های گوناگون، ایجاد فرصت‌های برابر، استفاده کارا از مواهب عمومی و قبول مسئولیت تشکیل‌دهنده

عناصر حکمرانی خوب است. تبیین عوامل واسطه‌ای در مسیر اثرگذاری خوب و ترسیم فرآیندهای مرتبط برای دستیابی به حکمرانی خوب می‌تواند از موضوعات قابل توجه پژوهشگران و علاقمندان به این حوزه مطالعاتی باشد.

### اقتصاد سیاسی مردمی شدن اقتصاد

توضیح: رهیافت اقتصاد سیاسی به دنبال پاسخگویی به چگونگی تحت تأثیر قرار گرفتن اقتصاد از محیط سیاسی است و در هم تنیدگی سیاست و اقتصاد را تبیین می‌کند. بررسی تأثیر رژیم سیاسی بر چگونگی شیوه تهیه عوامل تولید، تولید کالاها و خدمات و توزیع آنها از اهمیت خاصی برخوردار است. حضور مردم در صحنه اقتصاد و سیاست وابسته به هم بوده و به چگونگی تعاملات بین دولت و مردم، بین دولت و نهادهای بین‌المللی، ساختارهای سیاسی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، بوروکراسی و میزان اهتمام دولت به نظر مردم در نظام تصمیم‌گیری دارد. تبیین اقتصاد سیاسی اقتصاد مردم‌بنیان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

## جدول ۲- شبکه مسائل مردمی‌سازی اقتصاد

### محور اول: مطالعات نظری و بنیادین مردمی‌سازی اقتصاد

- مبادی فلسفی، مفهوم‌شناسی و جایگاه‌یابی
- رویکرد دیگر مکاتب اقتصادی به نقش مردم در اقتصاد
- مبادی اسلامی؛ از منظر قرآن و سنت
- مبادی اسلامی؛ از منظر رهبران انقلاب
- نسبت مردمی‌سازی اقتصاد با اقتصاد مقاومتی
- جایگاه مردم در ادبیات توسعه و رهاورد آن برای اقتصاد مردم‌بنیان
- آثار مردمی‌سازی بر اصلاح ساختار اقتصادی کشور

- جایگاه مردم در رویکردهای مختلف مقاوم سازی اقتصاد
- آثار مردمی سازی بر عدالت اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و...
- مکانیزم‌های انگیزشی مردمی سازی اقتصاد
- چگونگی مردمی شدن اقتصاد در اقتصادهای رانتیه
- مکانیسم‌های کاهش تضاد منافع در جهت مردمی شدن اقتصاد
- مردمی سازی تجارت بین الملل
- مردمی سازی مالیه بین الملل

### محور دوم: مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا

- الف- تحلیل انتقادی قوانین و مقررات
- اسناد بالادستی
- قوانین مصوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ب- شاخص‌شناسی و شاخص سازی
- شاخص‌های مردمی شدن اقتصاد
- ج- الگوها و سازوکارهای «بخشی» مردمی سازی
- نظام پولی و بانکی
- نظام مالی و بیمه‌ها
- الگوی بنگاه تولیدی و مسأله تعاونی
- نظام تأمین اجتماعی
- مدیریت و بهره برداری انفال، منابع طبیعی و نفت
- امنیت و دفاع
- بهداشت و درمان
- زمین و مسکن
- مدیریت شهری
- اوقاف و امور خیریه
- آموزش

### محور سوم: تجربه نگاری مردمی سازی اقتصاد و مقایسه نجارب

- دلالت های حضور مردم در دفاع مقدس
- تجربه مردمی جهاد سازندگی
- تجربه کشورهای اسکاندیناوی در خصوص مردم در اقتصاد
- تجربه نگاری مشارکت مردم در حکمرانی پولی و مالی
- تجربه نگاری مشارکت مردم در حکمرانی ثروت های طبیعی و انقال

### محور چهارم: مطالعات بین رشته ای

- بسترهای فرهنگی، تربیتی مردمی سازی اقتصاد
- مردمی شدن اقتصاد و رسانه های سنتی
- فضای مجازی، انقلاب دیجیتال و چشم اندازهای آتی مردمی سازی
- توانمندسازی مردم برای ایفای نقش در اقتصاد
- مردم در گونه های سنتی و جدید حکمرانی
- تحلیل زمینه ها و بایسته های حقوقی مردمی سازی
- اقتصاد سیاسی مردمی سازی
- تحلیل روانشناختی و رفتار گرایانه مردمی سازی

۴- خلاصه و جمع بندی:

همانطور که تبیین شد یکی از ابعاد اقتصاد مقاومتی، اقتصاد مردم‌بنیان است که از اجزاء اقتصاد مقاومتی بوده و مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده است. برای تبدیل یک اقتصاد رانتیه به اقتصاد مردم‌بنیان، باید پایه‌های نظری این نوع از اقتصاد با بهره‌گیری از دستاوردهای ملی و بین‌المللی به صورت روشمند تبیین شود و ابعاد مختلف مسئله برای سیاستگذاران باز شود. پس از یک مطالعه‌ی دقیق روی آثار منتشر شده تا سال ۱۳۹۹ با موضوع اقتصاد مردم‌بنیان، پژوهشگران به این نتیجه دست یافتند که ادبیات نظری منسجم و قابل‌اتکایی در مراکز علمی مرتبط تولید نشده؛ و حتی در تعریف اقتصاد مردم‌بنیان نیز اتفاق نظر وجود ندارد. بر این اساس این پژوهش به دنبال آن بود که به صورت روش گروه کانونی با حضور متخصصین اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی به موضوع شناسی اقتصاد مردمی پرداخته و با این اقدام، بستر لازم را برای کسانی که می‌خواهند مطالعات خود را در این حوزه تعریف کنند فراهم نماید. این موضوعات در چهار محور، طبقه‌بندی شده؛ و مقرر شد در چهار محور مطالعات نظری و بنیادین، مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا؛ الگوها و ساز و کارهای مردمی‌سازی و مطالعات میان‌رشته‌ای تقسیم شود. آنچه اهمیت دارد اینست که سیاستگذاران اقتصادی در قوای سه‌گانه باید بر اساس بنیان‌های نظری و برقراری الزامات مختلف سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و تربیتی و بهره‌گیری از تجارب مختلف و بر اساس طراحی الگوها و ساز و کارهای پیشنهادی، بستر انتقال از اقتصاد دولتی و رانتیه را به اقتصاد مردمی فراهم کنند تا جایی که اقتصاد ایران به اقتصاد مردم‌بنیان شهرت یابد.

### منابع:

- ۱- رنجبران، رضا؛ رجبی، سجاد؛ غیائی، هادی (۱۴۰۰). اقتصاد مردم‌محور. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع). چاپ اول.
- ۲- پیروز، روزبه (۱۳۹۸). از چاه به راه. گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی. انتشارات دنیای اقتصاد.
- ۳- ارشدی، وحید؛ نوبخت، جواد؛ اسماعیل‌پور، رضا و سید حسینی‌زاده یزدی، سعید (۱۴۰۰). فراتحلیل مطالعات اقتصاد مقاومتی در ایران: شناسایی عوامل مؤثر بر استحکام ساخت درونی سازمان برابر تکانه‌ها. فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی. دانشگاه امام صادق (ع). در حال انتشار.

- ۴- قاسمی، علی؛ رجایی رامشه، سید محمد کاظم (۱۳۹۹). مؤلفه ها، معیارها و شاخص های مردم محوری در اقتصاد مقاومتی. فصلنامه علمی معرفت. سال ۲۹. شماره ۲۷۲.
- ۵- یوسفی، احمد علی؛ غفاری، مجتبی (۱۳۹۵). نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب). فصلنامه پژوهش های اقتصاد مقاومتی. سال اول. بهار و تابستان ۱۳۹۵. شماره ۱.

